

گناهان و آثار آنها

مخالفت با امر و نهی خدا و سرپیچی از طاعت و رضایت او را به نام زیر خوانند:

۱- ذنب، زیرا گناه پیامدها و مفسدی دارد که بر آن مترتب می شود، و ذنت گرفتن دم چیزی و کشیدن آن به سوی خود است، و گنهکار نیز با گناه خود مفسد بسیاری را به سوی خود می کشاند.

۲- اثم، زیرا اثم به معنای تاخیر است، و گناه نیز انسان را از رسیدن به پاداش الهی و نیکی ها باز می دارد.

۳- عصیان، زیرا عصیان به معنای دفاع با عصا (چوبدستی) است، و گنهکار نیز کاری را انجام می دهد که باید آماده دفاع از خود در برابر هجوم عذاب و حوادث ناگوار باشد.

۴- طغیان، زیرا طغیان بیرون رفتن از حد و مرز است، و گنهکار نیز از حد پا فراتر می نهد، زیرا واجبات و محرمات حدود و مرزهای الهی اند.

۵- فسق، زیرا فسق بیرون شدن خرما از پوست خود اوست، و گنهکار نیز از محیطی که شارع منع کرده بیرون می رود.

۶- جرم و اجرام، زیرا کرم، کندن میوه از درخت یا به دست آوردن چیز ناگوار است، و گنهکار نیز میوه تلخ می چیند یا چیزی ناگوار به دست می آورد.

۷- سیئه، زیرا سیئه یعنی زشت، و گنهکار نیز کاری می کند که عقل و شرع حکم به زشتی آن داده اند.

۸- تبعه، زیرا تبعات و پیامدهای وخیم و زیان های هلاکت بار و پی در پی دارد.

۹- فاحشه، زیرا فاحشه به چیز بسیار زشت گویند، و گناه نیز بسیار زشت و شنیع است.

۱۰- منکر، زیرا منکر به معنای ناپسند است، و عقل و شرع نیز گناه را ناپسند می شمارند و ارتکاب آن را روا نمی دارند و انکار و نهی از آن را واجب می دانند.

خلاصه، مخالفت و نافرمانی خداوند و سرپیچی از طاعت او، از اموری است که هر عقلی نه پاسندی و زشتی آن کویاست، و آیات و هشدارهای الهی بر پرهیز از آن تاکید دارند، و کتاب و سنت به زیان ها و مفسدتی که بر آن بار می شود و این که گناه موجب هلاکت معنوی و دائم نفس و بدبختی ابدی اخروی است تصریح دارند. خداوند ما را از آن در پناه خود بدارد.

آیات و اخباری که در این باره رسیده چند گروه است»

الف- برهی مربوط به نهی از خود گناه و بیان زشتی بسیار آن و لزوم مراقبت نفس از درافتادن به آن است.

ب- برخی بیانگر زیان ها و مفسدتی است که به درون گنهکار، و هلاکت و انحطاط او از مرتبه انسانیت مربوط می شود.

ج- برخی اشاره دارد به آثار گناه مربوط به دنیای گنهکار، مانند مصائب و نامالایمات و حوادث مربوط به بدن و مال و خانواده او.

د- برخی اشاره دارد به تاثیر گناه در سرزمین ها و احوال بندگان، یعنی تاثیر آن در جان ها و سرزمین ها و شهرهای مجتمعی که گناه در آن صورت می گیرد.

ه) برخی اشاره دارد به تاثیر در آخرت شخص و عذاب آخرت.

۱- آیات و روایات نوع اول که دلالت بر اصل نهی و نکوهش دارند از این قرار است:

لاتقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن «پیرامون گناهان زشت نگردید، چه آشکار باشد و چه نهان».

و یتهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم اعاکم تذکرون «و خداوند از گناهان زشت و ناپسند و ستمگری باز می دارد، شما را پند می دهد، باشد که متذکر شوید».

لاتتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء و المنکر

«گام های شیطان را پی نگیرید، که هر کس گام های شیطان را پی بگیرد (بداند که) او به کارهای بسیار زشت و ناپسند فرمان می دهد».

و کفی به بذنوب عباده خبیرا «و همین بس که او از گناهان بندگان آگاه است».

ام حسب الذین یعلمون السيئات آن یسبقونا ساء ما یحکمون «آیا کسانی که به کارها بد می پردازند پنداشته اند که بر ما پیشی خواهند گرفت (از کیفر ما می توانند گریخت)؟ بد حکمی می کنند».

بئس الاسم الفسوق بعد الايمان «بدنامی است (لقب دادن دیگران به) فسق، پس از آن که ایمان آورده اند».

و در روایات می خوانیم:

۱- سختکوش ترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند.

۲- اگر می خواهی عمل تو ختم به خیر شود و در حال انجام بدترین اعمال جان دهی، حق خدا را بزرگ شمار از این که نعمت های او را در راه نافرمانی های او مصرف کنی.

۳- خداوند (در حدیث قدسی) می فرماید «ای پسر آدم، با من به انصاف رفتار نمی کنی، زیرا من به دادن نعمت ها با تو دستی می ورزم و تو با انجام گناهان با من دشمنی می کنی. خیر من به سوی تو فرود می آید و شر تو به سوی من بالا می آید. و همواره در هر شب و روز فرشته ای بزرگوار عمل زشتی را از تو برای من می آورد. ای پسر آدم، اگر وصف خود را از دیگری بشنوی و ندانی که این وصف کیست، به دشمنی او شتاب خواهی کرد.

۴- خداوند خشم خود را در نافرمانی خود پنهان کرده، پس هیچ یک از گناهان را کوچک مشکار، بسا که همان سبب خشم خدا باشد و تو ندانی.

۵- پس از نزول آیه توبه در باره گناهکاران، شیطان وسوسه گر خناس به رئیس خود ابلیس گفت: من آنان را با وعده و آرزو فریب می دهم تا دست به گناه زنند، و چون گناه کردند استغفار را از یادشان می برم. ابلیس (از یان سخن خوشحال شد و) او را تا روز قیامت بر این کار گماشت.

۶- هیچ یک از بدی ها را کوچک نشمارید اگرچه در نرظتان کوچک جلوه کند، زیرا هیچ گناهی با اصرار بر آن کوچک نیست.

۷- از گناهانی که آمرزیده نمی شود آن است که کسی (به خاطر کوچک شمردن گناهی) بگوید: کاش من فقط به همین گناه مواخذه می شدم.

۸- پیامبر (ص) فرمود: من بریا این امت امید نجات دارم مگر برای فاسقی که آشکارا گناه می کند.

۹- کسی که باک نداشته باشد مردم او را گناهکار بدانند، شیطان در نطفه او شرکت داشته است.

۱۰- هر گاه گروهی شروع به نافرمانی خدا کنند، اگر سواره اند از سواره نظام ابلیسند، و اگر پیاده اند از پیاده نظام او هستند.

۱۱- خداوند دوست دارد که بنده به خاطر گناه بزرگ از او آمرزش بخواهد، و دشمن دارد که بنده گناه ناچیز را سبک شمارد.

۱۲- مبادا مردم تو را از گناه خود غافل سازد!

۱۳- گناه اندک را ناچیز نشمارید، زیرا همین گناهان اندک است که انباشته می شود و گناهان فراوان می گردد.

۱۴- از حملات خدا بپرهیزید، و حمله خدا مواخذه او بر گناهان است.

۱۵- اگر خداوند بر هیچ گناهی وعده عذاب نمی داد، واجب بود که به شکرانه نعمت هایش نافرمانی نشود.

۱۶- گناه نکردن آسان تر از توبه کردن است.

۱۷- از گناهان در خلوت بپرهیزید، که شاهد آنها داور نیز هست.

۱۸- کمترین حق لازمی که خدا بر شما دارد آن ات که از نعمت ههای او بر نافرمانیش کمک نگیرد.

۱۹- به یاد پایان یافتن لذت ها و به جای ماندن پیامدهای آن باشید.

۲۰- سخت ترین گناهان آن است که صاحبش آن را سبک بشمارد.

۲۱- در زبور داود (ع) آمده است که خداوند می فرماید: ای پسر آدم، تو از من درخواست می کنی و من از تو دریغ می دارم، زیرا می دانم نفع تو در چیست. آن گاه در خواسته خود اصرار می ورزی و من آنچه خواستی به تو می دهم آن گاه از آن در نافرمانی من کمک می گیری. می خواهم رسوایت کنم، تو مرا می خوانی و من آن را می پوشانم. چقدر من با تو نیکی می کنم، و چقدر تو با من بدی می کنی! نزدیک است که بر تو خشمی بگیرم که پس از آن هرگز از تو راضی نگردم.

۲- روایات نوع دوم که تاثیر گناه را در باطن و قلب و روح انسان بیان می دراد، عبارت است از:

۲۲- چیزی برای قلب فاسدکننده تر از گناه آن نیست. قلب مرتکب گناه می شود و آنقدر به آن ادامه می دهد تا گناه بر قلب جیره می شود و قلب واژگونه می گردد.

یعنی قلب پیوسته همان گناه را تکرار می کند تا گناه بر آن چیره شود. یا آن گناه به خاطر توبه نکردن پیوسته در قلب اثر می گذارد تا بر آن چیره گردد. و واژگونی قلب یا کنایه از این است که قلب مانند ظرف واژگونی که چیزی در آن قرار نمی یابد واژگون می شود و ایمان و معارف در آن قرار نمی یابد. یا آن که قلب از جهت حق و دین که جهت بالاست صرف نظر می کند و به جهت دنیا که جهت پایین است، متوجه می گردد.

۲۳- هیچ بنده یا نیست مگر آن که در دل او نقطه سپیدی است؛ پس اگر گناه کرد و آن را تکرار نمود نقطه یاهی در آن پدید می آید. پس اگر توبه کرد آن سیاهی پاک می شود، و اگر به گناهان ادامه داد آن سیاهی گسترده می شود تا همه سپیدی را می پوشاند، و چون سپیدی را پوشاند، صاحب آن دیگر به هیچ چیز خیری باز نمی گردد، و این است قول خدا که فرموده: کلاب زان علی قلوبهم ما كانوا یکسبون «هرگز چنین نیست (که آنها پندارند) بلکه آنچه می کردند چون زنگاری بر دل های آنان نشسته است».

۲۴- تاثیر عمل بد در صاحبش سریع تر از تاثیر کارد در گوشت است.

۲۵- هر که تصمیم به انجام گناهی گرفت آن را انجام ندهد، زیرا بسا هستت که بنده گناه می کند و پروردگار او را می بیند و می فرماید: بله عزت و جلالم سوگند که پس از این هرگز تو را نمی آمرزم.

۲۶- هیچ دردی برای دل ها درناک تر از گناهان نیست.

۲۷- از نشانه های تیره بختی، اصرار بر گناه است.

۲۸- گناهان پی در پی دل را می میراند.

۲۹- اشک چشم ها خشک نمی شود مگر به سختی دل ها، و دل ها سخت نمی گردد مگر به بسیاری گناهان.

۳۰- از غوطه ور شدن در گناهان و ناچیز شمردن آنها بپرهیزید، زیرا بدین سبب خذلان الهی بر صاحب گناه چیره می شود تا او را به انکار نبوت پیامبر خدا و ولایت وصی او می کشاند، و این وضع ادامه می یابد تا او را به انکار توحید و الحاد در دین می افکند.

۳- آیات و روایات نوعت سوم که بیانگر تاثیر گناه در جلب ناملايمات و مصیبت هاست، به این شرح است:

و ما اصابکم من مصیبه قیما کسبت ایذیکم و یفو عن کثیر «و هر مصیبتی که به شما رسد به خاطر کارهایی است که به دست خود انجام داده اید، و خداوند از بسیاری تیز چشم می پوشد».

او یوبقهن بما کسبوا «یا کشتی ها را به کیفر آنچه سرنشینان آنها کرده اند هلاک و غرق گرداند».

مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلو ناراً «آنان به کيفر گناهانشان غرق گشتند و به آتشی (سوزان) درآمده شدند».

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها «پس پروردگارشان آنان را به گناهانشان نابود ساخت و با خاک یکسان نمود».

فطانت عليها طائف من ربك و هم نائمون، قاصبحت كالصريم «پس (شبانگاه) در حالی که خفته بودند آفتی از سوی پروردگارت بر آن باغ رسید، پس درختان آن باغ همه سوختند و بی ثمر گشتند».

و در روایات می خوانیم:

۳۱- هیچ بلا و کاهش روزی و تپس رگ و نکبت و سردرد و بیماری حتی یک خراش و زمین خوردن و مصیبتی نیست مگر به سبب گناهی.

۳۲- کسی که گناه یم کند از عذاب شبانه ایمن نیست.

۳۳- بنده گناه می کند و به سبب آن از نماز شب محروم می شود و روزی از او بازداشته می گردد.

۳۴- بنده گاه نیت گناه می کند و از روزی محروم می شود.

۳۵- بنده از خداوند حاجتی را درخواست می کند و سزاوار است که حاجتش برآورده شود، آن گاه گناهی می کند و خداوند به فرشته می فرماید: حاجت او را روا مکن، زیرا مرا به خشم آورده است.

۳۶- خداوند حکم حتمی فرموده که هیچ نعمتی را که بنده ای داده از او نگیرد مگر آن که از او گناهی سرزند که به سبب آن سزاوار نقت و عقوبت گردد.

۳۷- گاه یکی از شما دچار ترس فراوان از سلطان زمان می گردد و این نیست مگر به سبب گناهان، پس از گناه خودداری کنید.

۳۸- خداوند (در حدیث قدسی) می فرماید: هرگاه کسی نافرمانی من کند که مرا می شناسد، کسی را بر او مسلط می کنم که مرا نمی شناسد.

۳۹- کسانی که به سبب گناهان می میرند بیش از کسانی هستند که به سبب تمام شدن عمرشان از دنیا می روند.

۴- آیان و روایات نوع چهارم که بیانگر تاثیر گناه در شهرها و جوامع بشری است، عبارت است از:

ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لید یفهم بعضی الذی عملوا لعلهم یرجعون «فساد و تباهی در خشکی و دریا پدیدار شد به کیفر کارهایی که مردم با دست خود کرده اند، تا (خداوند) کیفر برخی از آنچه کرده اند به آنان بچشاند، شاید بازگردند».

فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا «و این است خانه های ویران و خالی آنها به خاطر ستمی که کردند».

فانزلنا علی الذین ظلمول رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون «پس بر آنان که ستم کردند عذابی از آسمان فرود آوردیم به کیفر آن که نافرمانی می کردند».

و در روایات می خوانیم:

۴۰- هیج سالی کم بران تر از سال دیگر نیست، ولی خداوند را در هر جا که بخواهد می فرستد. هر گاه قومی دست به گناهان زنند خداوند بارانی را که در

آن سال برای آنان مقدر کرده بود به سرزمین دیگران و به دشت ها و دریاها و کوه ها می فرستد. و گاه خداوند حشره ای را در لانه خود (به خاطر آن که در سرزمین گناکاران لانه کرده) عذاب می کند و. باران را از زمینی که آن حشره در آن زندگی می کند به خاطر گناهان اهیل آن سرزمین باز می دارد، زیرا خداوند برای او جای دیگری غیر از محل گنهکاران نیز قرار داده بود! پس ای صاحبان بینش عبرت بگیرید.

۴۱- خداوند را می سزد که در خانه ای گناه نشود مگر آن که خانه را در معرض تابش آفتاب قرار دهد تا آن را پاک سازد.

۴۲- قوم سبا نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، خدا نیز همه نعمت های آنان را دگرگون نمود، آبادی های آنان را در زیر آب فرو برد، خانه های آنان را ویران کرد و اموالشان را نابود ساخت. ذلک جزینا هم بما کفرو «این کیفری بود که به آنان دادیم به خاطر آن که کفر ورزیدند».

۴۳- خداوند (در حدیث قدسی) می فرماید: اهل هیچ آبادی و هیچ مردمی نیستند که فرمان مرا ببرند و در نتیجه خوشی و شادمانی به آنان برسد، آن گاه از حالتی که من دوست دارم به حالتی که دوست نمی دارم تحویل یابند، مگر آن که من نیز آنان را از آنچه دوست دارند به آنچه دوست نمی دارند متحول خواهم ساخت.

۴۴- هرگاه بندگان گناهانی پدید آورند که در گذشته نمی کردند، خدا هم بلایی برای آنان پدید آورد که در گذشته نمی شناختند.

۴۵- خداوند منادی دارد که در هر روز و شب ندا می‌کند: آهسته آهسته! ای بندگان خدا، درنگ کنید و دست به نافرمانی خدا نزنید، که اگر حیوانات چرنده و کودکان شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند خداوند عذابی بر سر شما فرو می‌ریخت که در هم کوبیده شوید.

۴۶- هرگاه خدا بر قومی غضب کند و نخواهد بر آنان عذاب فرو فرستد، نرخ اجناس آنها بالا می‌رود، عمرهاشان کوتاه می‌شود، تاجرانشان سود نمی‌برند، میوه‌هاشان کال و نارس می‌گردد، آب نهرهایشان کم می‌شود، بران بر آنان نمی‌بارد و اشرار بر آنان مسلط می‌شوند.

۴۷- پیامبر فرمود: امت من همواره در خیر و خوبی به سر می‌برند تا زمانی که با یکدیگر دوستی کنند و امانت را به صاحبانش بازگردانند و از حرام بپرهیزند... و هرگاه چنین نکنند گرفتار قحطی و خشکسالی می‌شوند.

۵- آیات و روایات نوع پنجم که بیانگر تاثیر گناه در عذاب و کیفر آخرت است، بدین شرح است:

بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون «چرا؛ آنان که کاری زشت کردند و گناهانشان از همه سو بر آنان احاطه کرد، آنان اهل آتش اند و همیشه در آن خواهد ماند».

و من جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار هل تجزون الا ما کنتم تعلمون «و آنان که کار بد کنند به صورت در آتش سرمگون گردند (و به آنان گویند) آیا جز آنچه می‌کردید کیفر داده می‌شوید»؟

مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلو ناراً «آنان به کیفر گناهانشان غرق گشتند و به آتشی (سوزان) درآورده شدند».

و من يعص الله و رسوله فان له نار جهنم «و هر که خدا و رسول او را نافرمانی کند، او را آتش دوزخ است».

آنها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره او فی السماوات او فی الارض یات بها الله، لطیف خبیر «اگر (کردار آدمی) هموزن دانه ای از خردل در دل سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد خداوند آن را (برای حساب) می آورد، که خداوند ریزبین و آگاه است». این گونه آیات در قرآن کریم بسیار فراوان است.

و در روایات می خوانیم:

۴۸- پیامبر به سرزمینی خشک فرود آمد که گیاه و هیزمی در آن نبود، فرمود: هر کس هرچه می تواند هیزم بیاورد. آنان هیزم ها را آوردند و در مقابل آن حضرت ریختند. پیامبر (ص) فرمود: گناهان این گونه انباشته می شوند. سپس فرمود: از گناهان کوچک بپرهزید، که هرچیز جوینده ای دارد، و به هوش باشید که جوینده گناهان (فرشته نویسنده اعمال) آنچه را گنهکاران پیش فرستاده اند و آثار بازمانده آنان را می نویسد.

گناهان کوچک گناهی است که انسان آنها را ناچیز می شمارد و از آنها توبه نمی کند، لذا از چیزهای است که نوشته می شود و باقی می ماند. و «آنچه پیش فرستاده اند» یعنی پیش از مرگ انجام داده اند، و «آثار بازمانده آنان

- آثاری است که بعد از عمل آنان به جای می ماند. یا ممکن است آنچه پیش فرستاده اند نیت و مقدمات عمل باشد، و آثار بازمانده خود عمل»
- ۴۹- گناه بنده به خاطر یک گناهش صد سال زندانی می شود و همسران و همدیفان خود را می نگرد که در بهشت از نعمت برخوردارند.
- ۵۰- اگر کیفر خداوند آتش است پس گناه برای چیست؟
- ۵۱- هر که خندان گناه کند، گریان وارد دوزخ گردد.
- ۵۲- علی (ع) فرمود: شک و گناه در آتش است، آنها از ما نیستند و به ما راه ندارند.